

ترجمہ

جواهر الکلام

تجارت

جلد سوم

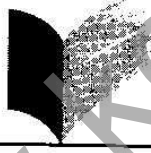
تألیف استاد فقہا شیخ محمد حسن نجفی

ترجمہ، شرح و توضیح

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	: صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر ۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ق.
عنوان قراردادی	: جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. فارسی - عربی. برگزیده. شرح.
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه جواهرالکلام: تجارت/ مؤلف محمدحسن نجفی؛ ترجمه و شرح و توضیح اکبر نایب‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۳ -
مشخصات ظاهری	: ج ۳ -
شابک	: دوره: 978-600-114-293-2 ج ۳: 978-600-114-292-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا -
یادداشت	: ج ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیا).
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه و شرح بخش تجارت از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» تألیف محقق حلی است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲-۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام - - نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری - - قرن ۷ ق و قانون تجارت (فقه)
شناسه افزوده	: نایب‌زاده، اکبر، ۱۳۲۴ - مترجم
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. برگزیده. شرح
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۴۰۴۲۳۶۷ ش ۳/م ۳ BP۱۸۲
رده‌بندی دیوبند	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۵۲۸۰۴



انتشارات خرسندی

تمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین
تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین
پایین تر از خیابان لبافی‌نژاد، کوچه مینا، پلاک ۲۰
تلفن: ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

ترجمه جواهرالکلام: تجارت (جلد ۳)

تألیف استاد فقه‌ا شیخ محمد حسن نجفی

ترجمه، شرح و توضیح: دکتر اکبر نایب‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۳ - شمارگان: ۵۰۰ جلد

صفحه‌آرایی: الهام پیدایی

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-292-5

شابک: ۹۷۸۶۰۰-۱۱۴-۲۹۳-۵

فهرست

- ۱- شرط دوم عوضین ۱۷
- ۲- طلق بودن ۱۷
- ۳- معنی طلق بودن ۱۸
- ۴- بیع باید طلق باشد ۱۹
- ۵- بیع وقف جایز نیست ۲۰
- ۶- ادله منع فروش وقف ۲۱
- ۷- عقیده ابن ادریس منع فروش است ۲۲
- ۸- مواردی که وقف باطل می‌شود ۲۳
- ۹- خانه‌ای را وقف کنند خانه ویران شود ۲۴
- ۱۰- اگر وقف باطل شد ۲۵
- ۱۱- آیا با اختلاف موقوف علیهم وقف باطل می‌شود ۲۶
- ۱۲- فروش به علت اختلاف ۲۷
- ۱۳- اقوال فقهاء ۲۸
- ۱۴- فروش موقوفه در صورت نیاز ۲۹
- ۱۵- نقل قول مفید و شیخ ۳۰
- ۱۶- سخنان فقها در موارد فروش وقف ۳۱
- ۱۷- عقیده سید مرتضی ۳۲
- ۱۸- نقل قول ابن ره‌ره و ابن سعید ۳۳
- ۱۹- عقیده محقق حلی ۳۴
- ۲۰- عقیده علامه ۳۵

- ۲۱- فروش وقف در صورت خرابی ۳۶
- ۲۲- فروش وقف در صورتی که فروش آن بهتر از ماندنش باشد ۳۷
- ۲۳- عقیده مقدار و صیمری ۳۸
- ۲۴- فروش موقوفه در سه مورد ۳۹
- ۲۵- جمع‌بندی عقاید فقها ۴۰
- ۲۶- در فروش موقوفه به تعداد فقها عقیده وجود دارد ۴۱
- ۲۷- دوازده قول برای جواز فروش ۴۳
- ۲۸- قول دوازدهم ۴۴
- ۲۹- موقوف علیهم مرتد یا محارب شوند ۴۵
- ۳۰- موقوف علیهم شرط وقف را تغییر دهند ۴۶
- ۳۱- روایاتی در مورد فروش موقوفه ۴۷
- ۳۲- منافی را برای کسی وصیت کند ۴۸
- ۳۳- جواز فروش در روایت در صورت نیاز ۴۹
- ۳۴- روایت در مورد فروش موقوفه در صورت اصلاح بودن ۵۰
- ۳۵- واقف بمیرد و دین مستعرق داشته باشد ۵۱
- ۳۶- فروش موقوفه در صورت اختلاف و خرابی ۵۲
- ۳۷- نقد روایات جواز فروش ۵۳
- ۳۸- روایت، وقف منقطع را گفته است ۵۴
- ۳۹- مورد روایت وقف کامل نبود ۵۵
- ۴۰- در روایت دوم مورد سؤال وقف نبوده است ۵۶
- ۴۱- منافع موقوفه را می‌توان فروخت ۵۷
- ۴۲- ام ولد را هم نمی‌توان فروخت ۵۹
- ۴۳- در معنی ام ولد ۶۰
- ۴۴- روایاتی برای جواز فروش ۶۱

- ۴۵- فروش برای پرداخت قیمت آن ۶۲
- ۴۶- برای فروش مالک بمیرد یا نمیرد ۶۳
- ۴۷- عقیده مقدس و شاگردش در مسأله ۶۴
- ۴۸- فوت مالک شرط فروش ام‌ولد است ۶۵
- ۴۹- در صورتی که مالکش دین مستعرق داشته باشد ۶۶
- ۵۰- فروش ام‌ولد برای کفن مالکش ۶۷
- ۵۱- ام‌ولد مرتکب جنایت شود ۶۸
- ۵۲- فروش ام‌ولد برای جنایت ۶۹
- ۵۳- اگر مالکش جنایت ام‌ولد را نپذیرد ۷۰
- ۵۴- اگر ام‌ولد به دیگری منتقل شد ۷۱
- ۵۵- اگر مالکش نتوانست نفقه او را بدهد ۷۲
- ۵۶- برخی موارد جواز بیع ام‌ولد ۷۳
- ۵۷- فروش ام‌ولد و شرط آزاد کردن او ۷۴
- ۵۸- اگر ام‌ولد پیش از مالکش مسلمان شود ۷۵
- ۵۹- اگر قبل از ام‌ولد شدن رهن باشد ۷۶
- ۶۰- اگر ام‌ولد مال مکاتب مشروط بوده باشد ۷۶
- ۶۱- در موارد دیگر فروخته نمی‌شود ۷۷
- ۶۲- اکرام‌ولد کافر مسلمان شد ۷۹
- ۶۳- بیع رهن جایز نیست ۸۰
- ۶۴- جنایت برده مانع از فروش آن نیست ۸۱
- ۶۵- اگر برده جانی فروخته شد خریدار حق فسخ دارد ۸۲
- ۶۶- اگر برده مرتکب جنایت عمدی شد ۸۳
- ۶۷- شرط سوم عوضین ۸۴
- ۶۸- قدرت بر تسلیم ۸۵

- ۶۹- فروش حیوان گم شده ۸۶
- ۷۰- اقوال مختلف درباره آن ۸۷
- ۷۱- منظور از قدرت بر تسلیم ۸۸
- ۷۲- استدلال بر شرط بودن قدرت بر تسلیم ۸۹
- ۷۳- قول اهل لغت در معنی غرر ۹۰
- ۷۴- دلیل بر قدرت بر تسلیم ۹۱
- ۷۵- منظور از غرر جهل به صفات و مقدار مبیع است ۹۲
- ۷۶- روایتی در این مورد ۹۳
- ۷۷- نهی از بیع ما لیس عندک ۹۴
- ۷۸- استدلال با روایات برای تسهیم ۹۵
- ۷۹- چیزی را ندارد بفروشد ۹۶
- ۸۰- بر شرط بودن تسلیم دلیلی نیست ۹۷
- ۸۱- استدلال بر شرط بودن تسهیم ۹۸
- ۸۲- پاسخ از ادله وجوب تسلیم ۹۹
- ۸۳- اگر غیرقابل تسلیم سفهی بود معامله باطل است ۱۰۰
- ۸۴- عجز مانع است یا قدرت شرط است ۱۰۱
- ۸۵- در فضولی قدرت بر تسلیم نیست ۱۰۳
- ۸۶- قدرت بر تسلیم در ثمن ۱۰۵
- ۸۷- فروش برده فراری با ضمیمه ۱۰۷
- ۸۸- ضمیمه برای قطعی شدن بیع است ۱۰۹
- ۸۹- فروشنده تحویل آن را ضمانت کند ۱۱۱
- ۹۰- برده مجهول الحصول را نمی توان فروخت ۱۱۳
- ۹۱- مقداری از ثمن در مقابل برده فراری است ۱۱۵
- ۹۲- اگر پیدا نشد نیز مال خریدار است ۱۱۷

- ۹۳- برده فراری را به شرط تسلیم بفروشد ۱۱۹
- ۹۴- فروش اسب و شتر گم شده ۱۲۱
- ۹۵- قدرت بر تسلیم اجماعاً شرط است ۱۲۳
- ۹۶- در غیرقابل تسلیم بودن در سایر عقود ۱۲۵
- ۹۷- قدرت تسلیم در زمان تسلیم شرط است ۱۲۷
- ۹۸- مشقت مانند تعذر است ۱۲۹
- ۹۹- صورتهای مختلف قدرت بر تسلیم ۱۳۱
- ۱۰۰- اقسام بیع نسبت به زمان تسلیم ۱۳۳
- ۱۰۱- شرط چهارم عوضین ۱۳۴
- ۱۰۲- ثمن باید معلوم باشد ۱۳۵
- ۱۰۳- بیع گزاف صحیح نیست ۱۳۷
- ۱۰۴- استدلال برای معلوم بودن ۱۳۹
- ۱۰۵- چیزهایی را با شاید می توان فروخت ۱۴۱
- ۱۰۶- مکروه در روایات بر معنی حرام است ۱۴۳
- ۱۰۷- اردبیلی یک صورت از بیع گزاف را صحیح می داند ۱۴۵
- ۱۰۸- برای کفایت مشاهده دلیلی نیست ۱۴۷
- ۱۰۹- رد صاحب حدایق ۱۴۹
- ۱۱۰- با باطل بودن، ضمان بر عهده خریدار است ۱۵۱
- ۱۱۱- خریدار کدام قیمت را ضامن است ۱۵۳
- ۱۱۲- ثناء متصل را خریدار ضامن است ۱۵۵
- ۱۱۳- قیمت روز تلف را ضامن است ۱۵۷
- ۱۱۴- متعاملین در بیع فاسد در حکم غاصبند ۱۵۹
- ۱۱۵- شرط پنجم عوضین ۱۶۰
- ۱۱۶- مبیع باید معلوم باشد ۱۶۱

- ۱۱۷- معلوم بودن مختلف است ۱۶۳
- ۱۱۸- بیع کلی در معین ۱۶۵
- ۱۱۹- نقل کلام اردبیلی ۱۶۷
- ۱۲۰- استثناء مجهول موجب بطلان است ۱۶۹
- ۱۲۱- بیع چیز مردد باطل است ۱۷۱
- ۱۲۲- فروش یک ذراع از زمین ۱۷۳
- ۱۲۳- اقسام فروش از یک خرمن ۱۷۵
- ۱۲۴- اگر شمردن سخت بود ۱۷۷
- ۱۲۵- فروش معدود با کیل یا با وزن ۱۷۹
- ۱۲۶- مقیاس زمان شریعت معتبر است ۱۸۱
- ۱۲۷- اگر زمان شریعت معلوم نود ۱۸۳
- ۱۲۸- مدار پیمان و وزن عرف است ۱۸۵
- ۱۲۹- اگر عرف مختلف بود ۱۸۷
- ۱۳۰- اگر در صحرا معامله کنند ۱۸۹
- ۱۳۱- زمین و پارچه را با مشاهده می توان فروخت ۱۹۰
- ۱۳۲- پارچه دوخته شده باشد ۱۹۱
- ۱۳۳- اگر میبع موقع معامله حاضر نبود ۱۹۲
- ۱۳۴- اگر یقین به تغییر نباشد ۱۹۳
- ۱۳۵- اگر در تغییر و عدم آن اختلاف کنند ۱۹۴
- ۱۳۶- گفته بایع باقسمش قبول است ۱۹۵
- ۱۳۷- اگر اوصاف مانند اجزاست ۱۹۷
- ۱۳۸- خریدن چشیدنی و بوئیدنی ۱۹۹
- ۱۳۹- خرید و فروش شخص کور ۲۰۰
- ۱۴۰- خرید عطری و طعمی بدون آزمایش ۲۰۱

- ۱۴۱- ابن براج گفته جایز نیست ۲۰۲
- ۱۴۲- اگر تصرف کرده و فاسد بود می‌تواند ازش بگیرد ۲۰۳
- ۱۴۳- فروش چیز طعمی با تعریف ۲۰۵
- ۱۴۴- استناد به اصل سلامت ۲۰۶
- ۱۴۵- اصل سلامت نقشی در رفع غرر ندارد ۲۰۷
- ۱۴۶- چیزهایی که با امتحان کردن خراب می‌شوند ۲۰۸
- ۱۴۷- فروش به شرط سلامت ۲۰۹
- ۱۴۸- شرط سلامت یا برائت غرور را رفع نمی‌کند ۲۱۰
- ۱۴۹- اگر فاسد بود و شکسته آن قیمتی نداشت ۲۱۱
- ۱۵۰- آیا از ابتدا بیع باطل است یا از موقع امتحان ۲۱۲
- ۱۵۱- معامله از اصل باطل است ۲۱۳
- ۱۵۲- اگر شکسته، هیچ ارزشی نداشت تمام قیمت آن را پس می‌گیرد ۲۱۴
- ۱۵۳- اگر فروشنده از عیب تبری کرده است ۲۱۵
- ۱۵۴- ماهی را در نی‌زار نمی‌توان فروخت ۲۱۶
- ۱۵۵- اگر برخی صید شده با برخی دیگر صید نشده بفروشد ۲۱۷
- ۱۵۶- فروش شیر در پستان حیوان ۲۱۸
- ۱۵۷- فروش ملاقیح و مضامین ۲۱۹
- ۱۵۸- روایاتی در این خصوص ۲۲۰
- ۱۵۹- در فروش شیر و پشم روی گوسفند ۲۲۱
- ۱۶۰- روایت در مورد خرید ماهی با نی‌زارد ۲۲۲
- ۱۶۱- فروش هر چیز مجهول با ضمیمه ۲۲۳
- ۱۶۲- ضمیمه کردن چیزی چاره رفع غرر است ۲۲۴
- ۱۶۳- روایات در مورد بیع مجهول ۲۲۵
- ۱۶۴- ضمیمه برای مال مجهول است که تسلیم آن معلوم نیست ۲۲۷

- ۱۶۵- ماهی‌ها مال صاحب زمین است ۲۲۸
- ۱۶۶- مجهول الوصف را نمی‌توان فروخت ۲۲۹
- ۱۶۷- دو مسأله ۲۳۰
- ۱۶۸- مسأله یک مشک را بدون امتحان می‌توان خرید ۲۳۱
- ۱۶۹- مسأله دوم برای ظرف می‌توان چیزی کم کرد ۲۳۳
- ۱۷۰- روایتی در این مورد ۲۳۴
- ۱۷۱- کدام ظرف‌ها را کم می‌کنند ۲۳۵
- ۱۷۲- با ظرف نیز می‌توان فروخت ۲۳۶
- ۱۷۳- آداب تجارت ۲۳۷
- ۱۷۴- روزی دادن با عقل نیست ۲۳۸
- ۱۷۵- مسائل شرعی تجارت را یاد بگیرد ۲۳۹
- ۱۷۶- طلب رزق مقدم بر طلب علم است ۲۴۰
- ۱۷۷- میان مشتری‌ها فرق نگذارد ۲۴۱
- ۱۷۸- پشیمان را اقاله کند ۲۴۲
- ۱۷۹- دعا در موقع خرید ۲۴۳
- ۱۸۰- ناقص بگیرد بر بدهد ۲۴۴
- ۱۸۱- مکروهات تجارت ۲۴۵
- ۱۸۲- گرفتن سود از مؤمن مکروه است ۲۴۷
- ۱۸۳- روایاتی در این مورد ۲۴۸
- ۱۸۴- وعده احسان در خرید و فروش ۲۴۹
- ۱۸۵- معامله با افراد پست ۲۵۱
- ۱۸۶- ندانسته وزن کردن ۲۵۲
- ۱۸۷- کم کردن ثمن پس از معامله ۲۵۳
- ۱۸۸- دخالت در معامله دیگری ۲۵۵

- ۱۸۹- در مزایده ایرادی نیست ۲۵۶
- ۱۹۰- صورتی‌های مختلف دخالت ۲۵۷
- ۱۹۱- وکالت شهری از روستایی ۲۵۹
- ۱۹۲- بدقولی حرام است ۲۶۰
- ۱۹۳- پیشواز کردن کاروان مکروه است ۲۶۱
- ۱۹۴- و مستحباب دیگر که شهید در دروس گفته است ۲۶۲
- ۱۹۵- در خرید برخی چیزها نباید چانه زد ۲۶۳
- ۱۹۶- تجارت‌های بزرگ انجام دهد ۲۶۶
- ۱۹۷- برخی دیگر از مستحبات ۲۶۷
- ۱۹۸- برخی مکروهات ۲۶۸
- ۱۹۹- استخدام افراد محترم مکروه است ۲۶۹
- ۲۰۰- اجیر شدن برای مخالف مکروه است ۲۷۰
- ۲۰۱- برخی دیگر کارهای مکروه ۲۷۱
- ۲۰۲- صرف عمر برای علم نحو و مانند آن مکروه است ۲۷۲
- ۲۰۳- تجارت در شب مکروه است ۲۷۴
- ۲۰۴- دو مسأله اضافه می‌شود ۲۷۵
- ۲۰۵- مسأله یک پیشواز کردن کاروان مکروه است ۲۷۶
- ۲۰۶- اندازه پیشواز کردن ۲۷۷
- ۲۰۷- اگر اتفاقی بود بی اشکال است ۲۷۸
- ۲۰۸- بیشتر از چهار فرسخ پیشواز نیست ۲۷۹
- ۲۰۹- در عقود دیگر پیشواز نیست ۲۸۱
- ۲۱۰- پیشواز اگر حرام بود ولی معامله صحیح است ۲۸۳
- ۲۱۱- فروشنده جز در صورت غبن خیار ندارد ۲۸۴
- ۲۱۲- ملاک قیمت روز یا زار است ۲۸۵

- ۲۱۳- آیا این خیار فوری است یا نه..... ۲۸۶
- ۲۱۴- خیار غبن کاروانیان فوری نیست..... ۲۸۷
- ۲۱۵- نجش حرام است..... ۲۸۸
- ۲۱۶- در معنی نجش..... ۲۸۹
- ۲۱۷- خریدار خیار دارد..... ۲۹۰
- ۲۱۸- اگر فروشنده به دروغ بگوید به فلان قیمت فروختم..... ۲۹۱
- ۲۱۹- مسأله دوم: احتکار مکروه است..... ۲۹۲
- ۲۲۰- روایات در مورد احتکار..... ۲۹۳
- ۲۲۱- حضرت قیمت تعیین نکرد..... ۲۹۴
- ۲۲۲- مدتی که احتکار حساب می‌شود..... ۲۹۵
- ۲۲۳- روایات ظاهر در کراهت احتکار است..... ۲۹۶
- ۲۲۴- استدلال به مکروه بودن..... ۲۹۷
- ۲۲۵- اگر در احتکار قصد اضرار نباشد..... ۲۹۸
- ۲۲۶- حکومت می‌تواند قیمت تعیین کند..... ۲۹۹
- ۲۲۷- احتکار در ۵ یا ۶ چیز است..... ۳۰۰
- ۲۲۸- ملاک نیاز مردم است..... ۳۰۱
- ۲۲۹- اگر به منظور دیگری نگهداری کند..... ۳۰۲
- ۲۳۰- اگر خریدار نباشد..... ۳۰۳
- ۲۳۱- احتکار در قحطی سه روز و در فراخی چهل روز است..... ۳۰۴
- ۲۳۲- محتکر اجبار به فروش می‌شود..... ۳۰۷
- ۲۳۳- قیمت تعیین نمی‌شود..... ۳۰۹
- ۲۳۴- اگر محتکر اجحاف کرد حکومت قیمت تعیین می‌کند..... ۳۱۱
- ۲۳۵- اگر مجتهد احتکار کرد..... ۳۱۲
- ۲۳۶- پایان کتاب بیع..... ۳۱۳

۳۱۴	فهرست‌های عمومی
۳۱۵	اسامی مقدس
۳۱۶	آیات کریمه
۳۱۷	روایات وارده
۳۲۴	اعلام
۳۳۰	شرح مختصری بر اعلام
۳۸۳	منابع
۳۸۸	شرح منابع
۴۱۹	مواد قانونی
۴۲۱	کتاب‌هایی که در نوشتن تعلیقات استفاده شده است
۴۲۴	پایان کتاب